

نقش در آمد های ناشی از کسب و کار های حرام و مکروه در معنی داری سبک زندگی از منظر آموزه های دینی

حسین جلائی نوبری^۱

^۱ دانشیار و هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی تبریز-ایران، عضو شورای پژوهشی مرکز توسعه پژوهش های بین رشته ای معارف اسلامی و علوم سلامت منطقه ۲ کشور

چکیده

اشتغال و داشتن حرفه و شغل مناسب از جمله مسائلی که از ابتدای آغاز زندگی بشریت مورد توجه همه انسان ها بوده و هست و در این میان اشتغال جوانان که آینده سازان این جامعه بشریت هستند از اهمیت دو چندان برخوردار است شغل و حرفه مناسب علاوه بر تأمین نیازمندی های اقتصادی آثار تربیتی روان شناختی اجتماعی و معنوی نیز دارد. در این مقاله به دنبال پاسخ به این سوال که آیا کسب کار حرام و مکروه از نظر شرع مبین اسلام در زندگی انسان ها پیامدی دارد؟ هستیم و با استفاده از آموزه های دینی و اسلامی و با روش توصیفی و کتابخانه ای این آثار مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. کسب در آمد از راه ارائه برخی خدمات و دادوستد بعضی از کالا ها ، ممنوع و حرام یا تنزیه شده و مکروه است . و باتوجه به ارزش بالای کار از نظر قرآن و روایات در این مجموعه به ارزش کسب و کار از نظر اسلام و مفهوم شناسی کسب و کار حرام و مکروه و معرفی کسب و کار های حرام و مکروه و آثار منفی کسب و کار های حرام و مکروه از دیدگاه اسلام پرداخته شده است ؛که گویا ی ارزش کار از نظر اسلام است و این ویژگی های کار، موجب کمال و تکامل وجودی انسان و عقل ، عزت ، سعادت، خوشبختی و رحمت الهی است.

واژه های کلیدی: آثار، حرام، مکروه، کسب و کار

مقدمه

باتوجه به نقش کار و عمل در اعتلای حیات اقتصادی و اجتماعی، فرهنگی جامعه، کوشش برای ارتقای فرهنگ کار و زودودن عوامل مزاحم و بازدارنده یک ضرورت اعتقادی ملی است. فرهنگ کار می تواند زمینه ساز مناسب برای سخت کوشی و خلاقیت و ابتکارات، نوآوری ها و احساس تعهد و مسئولیت پذیری و وجدان کاری، انضباط اجتماعی و اخلاق رادرجامعه عظیم کار کشور فراهم سازد در فرهنگ اسلامی کار و تلاش مانند مجاهدت در راه خدا، ارزشمند و مقدس است، تا آنجا که فضیلت کسی که برای روزی خود تلاش می کند برتر و بالاتر از عابد بیکار شناخته شده است و در مقابل تنبلی و بیکاری مظهر نقص، پوچی و ابتزال معرفی شده است. آیات قرآنی و روایاتی از بزرگان دین در رابطه با کار وجود دارد که بعضی از آنها کار را هدف خلقت، شعار مومن، جهاد، عزت، شخصیت، عامل اعتماد به نفس و.... می شمارند. کما اینکه خداوند چنین می فرماید: «هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوَبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ» اوشما را از زمین پدید آورد و در آن شما را استقرار داد..... که خود یکی از آشکارترین آیه در رابطه با کار آفرینی است.

اهمیت موضوع

اهمیت کسب و کار از نظر دین مبین اسلام

دربینش اسلامی میزان کار و تلاش از آنچنانی قداست و ارزشی برخوردار است که هم ردیف جهاد و مبارزه با دشمن معرفی گردیده است. چنانکه نبی اکرم «صل الله علیه و آل وسلم» کار و کوشش را همانند جهاد در راه خدا مقدس دانسته و کارگر را تشبیه به مجاهد فی سبیل الله می نماید و همان اجر و پاداش را برای او متذکر می گردد. باتوجه به آیات قرآن خداوند متعالی انسانها را به کسب روزی حلال دعوت کرده و آنها را از حرام خواری و انجام کارهای نامشروع نهی کرده و آنرا پیروی از شیطان می خواند و می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» ای مردم! از آنچه در زمین، حلال و پاکیزه است، بخورید و از گام های (وسوسه انگیز) شیطان، پیروی نکنید. براستی که او دشمن آشکار شماست. «كُلُوا» کنایه از انواع تصرفات که شامل تغذیه نیز میگردد. بر شخص مسلمان واجب که در حد ضرورت و به قدر توان کار کند و مخارج خود و خانواده اش را تامین سازد. شغل انسان باید مباح و نیز مالی را که صرف هزینه های زندگی خود می کند بایستی حلال باشد. اولیای گرامی اسلام همواره پیروان خود را از پستی و ذلت درخواست و طلب از دیگران بازمی داشتند و می کوشیدند تا آنان را به عزت و بزرگواری عادت دهند. از آنان می خواستند که حتی در سخت ترین شرایط از کار شرافتمندانه برای امور معاش خود دست برندارند و با سعی و کوشش خود را از دیگران بی نیاز سازند.

مفهوم شناسی

الف) معانی لغوی کسب و کار حرام و مکروه

استعمال کار در معانی مختلف بیانگر گستردگی و غنای بالای این کلمه در فرهنگ لغت فارسی می باشد

۱. هود، ۶۱.

۲. بقره، ۱۶۸.

۱- کار: شغل، عمل، پیشه، رفتار و کردار، آنچه در عالم خارج تحقق می یابد.

خوانش: سعی و جهد، رزم و جنگ، کشت، زراعت، مسئولیت، وظیفه، گرفتاری، دشواری و در ترکیب به معنی کارنده و کشت کننده آید.^۳

۲- حرام: ممنوع و ضد حلال است. حرمت از ریشه «ح.ر.م» در لغت به معنای منع است. و برخی آنرا منع چیزی پیش از به وجود آمدن آن دانسته اند. به ممنوع شدن «حرام»، «محرم»، «حرمت» می گویند.^۷

۳- مکروه: ناپسندیده و ناخوش (منتهی الارب)، ناپسند و ناگوار و ناخوشایند و دارای کراهت (ناظم الاطباء) كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا که این قبیل کارها و اندیشه های بد گناهش نزد خدا ناپسند است. در لغت از ریشه (ک ر ه) و به معنای سختی که بر انسان وارد می شود.^۱

ب) معانی کسب و کار حرام و مکروه از دیدگاه قرآن

حرام در اصل به معنای منع و سخت گرفتن و نیز ضد حلال است. جمع آن «حرم» است «حرمله» اسم مصدر از احترام به معنای چیزی است که بی احترامی به آن جایز نیست و جمع آن حرمت است مثل^۲ غرفه و غرفات، ممنوع شدن به فرمان تکوینی الهی است یا به وسیله بشر و گاه به حکم عقل و گاه به حکم شارع و در اصطلاح دینی کاری است که از طرف خدا ممنوع و نهی شده باشد و انجام آن گناه محسوب می شود و حرمت شیء به معنای روا نبودن هتک آن است و یا به حکم شرعی گفته می شود که به شکل الزامی از عمل یا شیء که به آن تعلق گرفته است منع می کند.^۴

احکام شرعی فرعی به دو قسم تکلیفی و وضعی تقسیم می شوند:

معین، فرهنگ معین، ج ۳، ص ۳۷۸۹.

قرشی، قابوس قرآن، ج ۲، ص ۱۲۲.

ابن فارس، مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۵۵.

مصطفوی، التحقيق، ج ۲، ص ۶۰۴.

فتح الله، معجم الفاظ الفقه العجزی، ص ۳۷۳، سعدی، القاموس الفقهی، ص ۷۸۵.

اسراء، ۳۸.

ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۹۸۰.

صاحب بن عباد، واژنامه المحيط، ج ۳، ص ۲۵۵.

ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۵۴.

راغب اصفهانی، حسین، مفردات الفاظ القرآن، ج ۵، ص ۱۳۲۹.

فتح الله، معجم الغه الفقها، ص ۱۳۷۷.

فتح الله، عجم الفاظ الفقه الجعفری، ص ۱۵۸. الصدر، المعالم الجدیدة، ص ۱۴۰۱.

حکم تکلیفی: هر عملی که شخص مکلف انجام می دهد از نظر شرعی دارای یکی از عنوان های پنج گانه است:

۱- واجب «آنچه باید انجام دهد»

۲- مستحب «آنچه بهتر است انجام دهد»

۳- مباح «آنچه انجام دادن و ترک آن فرقی ندارد»

۴- مکروه «آنچه بهتر است انجام ندهد»

۵- حرام «آنچه نباید انجام دهد»

حکم تکلیفی می تواند در مورد واحد برای دو نفر، یکسان یا متفاوت باشد. و تعلق حکم به انسان منوط به تحقق شرایط تکلیف است؛ از این رو، انسان غیر بالغ، دیوانه و ناتوان مکلف به عمل به آن نیست. حکم وضعی: غیر از احکام تکلیفی بقیه احکام را احکام وضعی می نامند: طهارت و نجاست، صحت « صحیح و درست بودن عمل» و بطلان «باطل بودن کار» و مالکیت و زوجیت، ضمان، حرمت ابدی که تعداد خاصی ندارد.

حکم وضعی: غیر از احکام تکلیفی بقیه احکام را احکام وضعی می نامند: طهارت و نجاست، صحت « صحیح و درست بودن عمل» و بطلان «باطل بودن کار» و مالکیت و زوجیت، ضمان، حرمت ابدی که تعداد خاصی ندارد. البته برخی همه احکام وضعیه را در سه قسم «سببیت و شرطیت و مانعیت» منحصر می کنند. حکم وضعی به علت اینکه غالبا موضوع و زمینه برای حکم تکلیفی می باشد به این اسم نامیده شده است.

۱. حرام در قرآن و روایات

وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتَدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ و اموال یکدیگر را به باطل (ناحق) در میان خود نخورید و برای خوردن بخشی از اموال حرام به گناه (قسمتی از) آن را (به عنوان رشوه) به قضات ندهید، در حالی که می دانید این کار، گناه است.

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: مقصود مالی است که از طریق قمار بدست می آید.

تبریزی، اوثق الوسائل، ص ۱۵۷۶.

. مشکینی، اصطلاحات اصول، ج ۱، ص ۳۲۰.

بقره، ۱۸۸.

. بهشتی نژاد، تفسیر اهل بیت علیهم السلام، ج ۱، ص ۸۸۸.

. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۲، ابواب ما یکتسب به، باب ۳۵، ص ۱۱۹، ح ۴. همان، ج ۱۷، ص ۱۹۶۷.

رسول اکرم (صل الله علیه وآل وسلم) می فرمایند: کسی که لقمه ای از مال حرام را بخورد مورد خشم و غضب الهی قرار می گیرد. پس اگر به درگاه خداوند توبه کند، خداوند توبه او را می پذیرد، ولی اگر بدون توبه از دنیا برود مستحق آتش دوزخ است.^۲

کاربردهای حرام در قرآن

الف) ممنوع شدن به فرمان تکوینی الهی

ب) حرام تکلیفی

۲- مکروه در فقه اسلام

مکروه در اصطلاح فقه اسلام، برای اشاره به عملی بکار می رود که انجام آن گرچه حرام نیست اما ترک آن مطلوب است و پاداش دارد ولی انجامش عذاب ندارد. مانند، پوشیدن لباس سیاه در نماز یا خوردن گوشت اسب یا الاغ. تعداد مکروهات قابل احصا نیست چه ترک هر مستحبی خود مکروه تلقی می گردد. در مکروهات هم تقلید از مجتهد واجب است.

اقسام مکاسب

از آن جا که تجارت و کسب و کار نقش مهمی در زندگی مردم و رشد اقتصادی جامعه دارد و اقتصاد سالم مرهون آن است، از این رو باید یک فرد تاجر و کاسب پیش از کار تجارت نسبت به موضوعات و قوانین و احکام فقهی آن آشنا گردد، تا در معاملات و دادوستد، در مسیر ربا و معاملات نامشروع قرار نگیرد. امام علی (علیه السلام) می فرماید: ای تاجر و کاسب؛ اول احکام معاملات و تجارت را یاد بگیرد.^۴

۱- کسب های واجب: آن کسب های حلالی که فرد آن را شغل و پیشه خود قرار داده و غیر از آن درآمد دیگری برای تامین مخارج زندگی خود و خانواده و حفظ آبرو ندارد، و نظام معیشتی مردم بر آن توقف دارد. مانند: کسب و کار و تلاش برای زندگی از طریق تجارت، زراعت، صنعت، و مانند آن، همچنین کسب و کار برای حفظ نظام و تأمین احتیاجات جامعه اسلامی.

۲- کسب های مستحب: کسب هایی برای کارهای مستحبی که برای جامعه و خانواده مفید و سودمند باشد، مانند کسب برای وسعت و گشایش روزی بر خانواده «زیادتر از هزینه واجب» و یا برای دستگیری از فقرا.

قال رسول الله (صل الله علیه وآل وسلم): مَنْ أَكَلَ اللَّقْمَةَ مِنَ الْحَرَامِ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ فَإِنْ تَابَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ إِنْ مَاتَ قَالَ النَّارُ أُولَى بِهِ.
مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۲.

۲. زحیلی، اصول الفقه الاسلام، ج ۱، ص ۲۵۵.

۳. خمینی، توضیح المسائل (محشی)، ج ۱، ص ۸۰، مسئله ۲۴۰.

۴. مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۳۲.

قال امام علی (علیه السلام): التجار الفقه ثم المتجر الفقه ثم المتجر الفقه ثم المتجر، کافی، ج ۵، ص ۱۵۰، ح ۲۴.

۵. علامه حلی، تبصره المتعلمین فی احکام الدین، ص ۲۶۳.

۳- کسب های مکروه: کسب هایی که به جهت آثاری که دارد، انجام آن شایسته نیست، همان طور که در روایتی از فعل هایی مانند کفن فروشی و برده فروشی به عنوان یک شغل و تجارت در آن کالا نکوهش شده است.^۶

۴- کسب های مباح: معاملاتی که نه موجب زیان افراد و جامعه است و نه مورد نیاز آنان و نسبت به انجام و یا ترک آن هیچ رجحانی نباشد.^۷

۵- کسب های حرام: درآمدهایی که فرد آن را از راه حرام بدست می آورد این به شکل های مختلف امکان پذیر است، مانند خرید و فروش مواد مخدر، اجناس مضر و غیر پاکیزه، ابزار موسیقی حرام، قمار.^۸

برخی از کسب های مستحب، مکروه و یا مباح به جهت نیازهای ضروری زندگی واجب میشوند.

تعریف مال و لقمه حرام

به تصرف غیر مجاز در اموال دیگران و سرمایه ای که از راه های مختلف غیر شرعی مانند کسب درآمدی دیگری از وقتی که به دیگران یا دولت فروخته ایم و در استخدام دیگری هستیم. کسب درآمد از فروش اجناسی که خرید و فروش آنها خلاف شرع مقدس است مانند فروش مشروبات الکلی، مواد مخدر، ابزار آلات موسیقی، معامله با سرمایه مخلوط به حرام که حق تصرف در آن را نداریم، خرید و فروش اجناسی که برای سلامت جامعه مضر است و کسب مال حرام می گویند که از آن به خوردن مال حرام یا همان لقمه حرام یاد می شود و خوردن مال حرام از گناهان کبیره است و در منابع دینی از مال حرام به «سحت» و از حرام خواری به «اکل سحت» تعبیر شده است.

اقسام اموال حرام^۳

الف) مالی که حاصل درآمد از آن ذات حرام است مانند: سگ و خوک.

ب) مالی که به جهت حالتی یا صفتی که بر آن عارض شده، حرام شده است مانند: طعمی که با زهر مخلوط شده است.

ج) مالی که به جهت نقص و خللی که در دادن و گرفتن وارد شده، حرام شده است مانند: اموالی که با ظلم، غصب یا خیانت گرفته می شود.

مصادیق مال حرام بر اساس آیات قرآن:^۱

۱. ربا: سوره بقره آیات ۲۷۵—۲۷۸

۱. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۲۳۱

۲. نظام الدین ساوجی، جامع عباسی و تکمیل آن (محشی)، ص ۲۵۷۶

۳. علامه حلی، تبصره المتعلمین فی احکام الدین، ص ۲۹۳

۴. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن کریم، ص ۲۹۰

۵. نراقی، معراج السعاده، ص ۴۴۲-۴۴۳

۶. هاشمی رفسنجانی و دیگران، فرهنگ قرآن، ج ۲۵، ص ۳۵۰-۳۵۲

۲. رشوه: سوره بقره آیه ۱۸۸ و سوره مائده آیات ۴۲ و ۶۲

۳. غضب: سوره نسا آیات ۱۰ و ۲۹ و سوره کهف آیه ۷۹

۴. پول قمار: سوره بقره آیه ۲۱۹ و سوره مائده آیات ۹۰ و ۹۱

۵. کسب مال از راه باطل: سوره بقره آیه ۱۸۸ و سوره مائده آیه ۲۹ و سوره نسا آیات ۲۹ و ۳۴ و ۱۶۱

۶. کسب مال از راه دزدی و سرقت: سوره مائده آیه ۳۱ و سوره ممتحنه آیه ۱۲

۷. کسب مال از راه قسم دروغ: سوره بقره آیه ۱۸۸

۸. کسب مال باکم فروشی: سوره اعراف آیه ۸۵ و سوره هود آیه ۸۵ و سوره مطففین آیات ۱-۳

۹. مال مصرف شده در فحشا: سوره نسا آیه ۲۴ و سوره نور آیه ۳۳

۱۰. مال یتیم: سوره نسا آیه ۱۰ و سوره اسراء آیه ۳۴

مصادیق مال حرام در احادیث:

امیر المومنین (ع) فرمود: بهای فروش مردار و سگ و شراب و کابین زنا و رشوه در مورد قضاوت و مزد پیشگویی حرام است.

احکام فقهی مال حرام

اگر کسی بداند که خانه و لباسش از مال حرام است، نباید در آنها تصرف کند و نماز خواندن در آنها از روی عمد و با علم به حرام بودن آنها، باطل است.

کسی که پول حمام را از مال حرام پرداخت کند غسل او باطل است.

از دیدگاه فقها حج با مال حرام جایز نیست.

فتوای آیت الله مکارم شیرازی از مراجع تقلید؛ اگر لباس احرام، طواف وسعی، پول قربانی و اجرت چادر و فرش که در آن وقوف به عرفات و منا می کند، حرام باشد، بنا بر احتیاط واجب باطل است.

مخلوط شدن مال حرام با مال حلال در صورتی که مقدار و صاحب آن مشخص نباشد باید خمس آن پرداخت شود.

قال امام علی (عليه السلام): السُّخْتُ ثَمَنُ الْمَيْتَةِ وَ ثَمَنُ الْكَلْبِ وَ ثَمَنُ الْخَمْرِ وَ مَهْرُ الْبَغِيِّ وَ الرِّشْوَةُ فِي الْحُكْمِ وَ ۳۲. أَجْرَةُ الْكَاهِنِ، صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۳۲۹-۳۳۰.

خمینی، استفتانات، ج ۱، ص ۱۴۴-۳۳۴.

. خمینی، توضیح المسائل (محشی)، ج ۱، ص ۴۳۲.

. محمودی، مناسک حج، ص ۳۳۶.

مکارم شیرازی، مناسک جامع حج، ص ۳۶۶.

باتوجه به اهمیت موضوع و آشنا شدن بیشتر توضیح مختصری درمورد رشوه و ربا بیان می گردد.

رشوه، کثر حکم و قضاوت

یکی از پدیده های ناهنجار اقتصادی که گریبانگیر بیشتر جوامع انسانی است، «رشوه خواری» می باشد که بسان آفتی ویرانگر، تاروپود قانون و مقررات را ازهم گسیخته و سبب هرج و مرج می گردد. رشوه آن مزد و مالی است که برای از بین بردن حق دهند، یا جهت حق نمودن باطلی دریافت نمایند. رشوه چیزی که به کسی می دهند تا کارسازی به نا حق کند رشوه دادن را رشا و رشوه گرفتن را ارتشا می گویند و رشوه به دو قسم تقسیم می شود.^۳

۱. رشوه در حکم و قضاوت، و برای دهنده و گیرنده آن حرام بوده و در روایات از آن به عنوان کفر به خدا و رسول خدا یاد شده است. چنانکه امام صادق (علیه السلام) به عمار بن مروان فرمود: اما رشوه گرفتن در حکم قضاوت کفر به خداوند بزرگ می باشد.

۲. رشوه ای که برای راه افتادن یا سرعت در کار و ایجاد اغماض در نظر مسئولان رشوه خوار، داده می شود. گرفتن این گونه اموال نیز جایز نیست. اصطلاح «جایز نیست» در مسائل شرعی وفقه مصطلح به این معناست که مکلف در تمام عمل نباید فعل مورد نظر را انجام دهد و از این جهت با حرام فرقی ندارد) و به خاطر زشتی رشوه، رشوه خوار و رشوه دهنده از نام هایی مانند هدیه، تعارف، حق و حساب، حق زحمت و انعام استفاده می کند، این تغییر نام هابه هیچ وجه تغییری در ماهیت و زشتی رشوه نمی دهد و از گناهان کبیره است. اسلام رشوه رابه شدت مورد تگوهش قرار داده و محکوم می کند. قرآن کریم می فرماید: وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَ تَدُلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْأَثَمِ اموال یکدیگر رابه ناحق نخورید و آن رابه حاکمان رشوه ندهید تا بدان سبب اموال گروهی دیگر رابه ناحق بخورید. پیامبر اکرم می فرماید: گیرنده و دهنده رشوه و واسطه بین آن دو همگی ملعون هستند. پیامدها و مفاسد اجتماعی حرام خواری و رواج رشوه دادن و رشوه خوردن عبارتند از: فساد مالی و اداری- نقض قوانین و حقوق اجتماعی- سنگدلی.^۴

خمینی، توضیح المسائل «محشی»، ج ۲، ص ۴۷ و ۳۶۷.

در مقاله ای از نویسنده با عنوان «راهکار مبارزه با مفاسد اقتصادی در حکومت علوی علیه السلام با تاکید بر نهج البلاغه» در فصلنامه^۳ مطالعات راهبردی در علوم انسانی اسلامی، سال سوم، شماره ۳۲، زمستان ۱۳۹۹ به چاپ رسیده ملاحظه فرمایید.

معین، فرهنگ فارسی، ج ۲، ص ۵۸ و ۳۹۶.

مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۰۵.

قال امام صادق (علیه السلام): أَمَّا الرِّشَا فِي الْحُكْمِ فَهُوَ الْكُفْرُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ، حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۴-۹۶. صدوقی. خصال، به تصحیح علی اکبر غفاری، ص ۳۲۹، حدیث ۲۵.

خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، ص ۱۳۰.

مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۳.

. بقره: ۱۴۸۵.

. قال رسول الله (صل الله علیه وآل وسلم): الرِّاشِي وَ الْمُرْتَشِي وَ الْمَاشِي بَيْنَهُمَا مَلْعُونُونَ. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۲۷۴ نوری ۴۹ مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۵۵.

. سیاح، فرهنگ سیاح، ج ۲، ص ۲۱۲.

ربا

ربا در لغت عرب دارای سه معناست: ۱. زیادی ۲. علو ۳. نمو، و در عرف شرع، زیادی در معاملات یا وام، با شرایط خاص. معاملات ربوی از سوی اسلام به رسمیت شناخته نشده و خریدار و فروشنده در چنین معاملاتی، مالک کالا و بهای آن نمی شوند. با توجه به تاریخ و روایات ربا خواری از شیوه های متداول کسب درآمد در دوران جاهلیت بوده و مفسد فراوان دیگری را موجب شده است. قرآن کریم با لحنی جدی و تأکیدآمیز به مؤمنانی که تا آن زمان از ربا پرهیز نمی کردند، دستور می دهد که اگر خود را مؤمن می دانند فوراً ربا خواری را ترک گویند و حتی از آنچه در معاملات فعلی خود به عنوان ربا از دیگران طلبکارند صرف نظر نمایند، و در صورت تداوم ربا خواری برای جنگ با خدا و رسول مهیا شوند ربا هشت مرتبه در قرآن تکرار شده است: : در این آیات خداوند حالات ربا خواران را در قیامت به کسانی تشبیه می کند که برائر تماس شیطان دیوانه و مجنون شده اند، خیر و شر را تشخیص نمی دهند، و به عذاب خوار کننده الهی^۱ دچار خواهند شد. مهمترین علت تحریم ربا اینست که ربا خواری موجب افزایش فاصله طبقاتی، تراکم ثروت در دست عده ای محدود و محرومیت اکثر اعضای جامعه می شود در معاملات ربوی، همواره سود با اصل سرمایه، ضمیمه شده و سرمایه جدیدی را تشکیل می دهد. سرمایه جدید دوباره مورد ربا واقع شده و سود افزون تری را موجب می شود. بدین ترتیب خود ربا خوار، در مدتی کوتاه بدون آن که کار مثبتی انجام دهد، از راه تراکم سود، ثروت هنگفتی به دست می آورد، در حالی که بدهی بدهکار نیز به چند برابر اصل افزایش می یابد و در نتیجه به تدریج او را از هستی ساقط می کند. پس خرید و فروش ربوی در هر حال برای خریدار و فروشنده زیانبار است، و ربا خواری موجب سستی بنیان عواطف و پیوندهای اجتماعی شده، بذرکینه و دشمنی رادر دلها می پاشد، و بدهکار، ربا خوار را عامل همه بدبختی های خود می شمارد.

۵

۳

انواع ربا

در منابع فقهی دو نوع ربا داریم

۱. ربای قرضی: هرگاه در عقد قرض شرط شود که قرض گیرنده هنگام ادای قرض، آن را با افزوده بر گرداند، ربای قرضی تحقق یافته است. ربای قرضی گاه با دریافت زیادی از عین مال قرض داده شده و گاه با شرط انجام کاری یا دادن منفعتی به قرض دهنده محقق می شود. این ربا را رایج ترین نوع ربا از گذشته تا عصر حاضر معرفی کرده اند.

مکارم شیرازی، ربا و بانکداری، ص ۵۹۵.

بقره، ۲۷۸-۲۷۹.

بقره، ۲۷۸، ۲۷۶، ۲۷۵، - آل عمران، ۱۳۰، نساء، ۱۶۱، روم، ۲۹۹.

فخر رازی، تفسیر الکبیر، ج ۷، ص ۹۴.

طباطبایی، المیزان، ج ۲، ص ۵۱۰.

آل عمران، ۱۳۱، نساء، ۱۳۱.

در این موضوع مقاله ای با عنوان «نگرشی بر حرمت و آثار ربا خواری از منظر آیات و روایات» در مجله آفاق علوم انسانی، سال چهارم^۲، شماره سی و هفتم، اردیبهشت ۱۳۹۹ از نویسنده به چاپ رسیده ملاحظه فرمایید.

۲. ربای معاملی: معامله دو چیز همجنس با دریافت زیادی در یکی از عوضین، که با سه شرط محقق می شود، مکمل یا موزن بودن دو جنس؛ یکی بودن دو جنس معامله شده، تفاوت در مقدار دو جنس است که گاه به صورت عینی می پردازد. در قانون مجازات اسمی از آن برده نشده است و عبارتست از یکی از طرفین معامله در موضوع معامله واحد بیشتر از آنچه که مستحق است دریافت می کند. مطابق ماده ۵۹۵: مرتکبین اعم از ربادهنده، رباگیرنده و واسطه بین آنها علاوه بر رد اضافه به صاحب مال به شش ماه تا سه سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق و نیز معادل مال مورد ربا به عنوان جزای نقدی محکوم می گردند.

تاثیر لقمه حرام در نسل انسان ها

در روایات متعددی لقمه حرام، زنا و به وجود آمدن نسلی فاسد و منحرف را از موارد شریک شدن شیطان است، که ممکن است در یکی از سه مرحله ذیل لقمه حرام تاثیر منفی بگذارد.

۱. زمان بستن نطفه ۲. دوران بارداری ۳. موقع تغذیه کودک با شیر یا لقمه شبهه ناک

خداوند متعال می فرماید: «وای شیطان» هر کس از مردم رامی توانی با صدای خود بلغزان و نیروهای سواره و پیاده ات را بر ضد آنان گسیل دار و در اموال و فرزندان با آنان شریک شو و به آنان وعده بده و شیطان جزء فریب، وعده ای به آنان نمی دهد. آثار وضعی حرام خواری از نظر روایات نه تنها در وجود شخص، بلکه در نسل او نیز استمرار می یابد، امام صادق (علیه السلام) می فرماید: آثار کسب حرام در نسل آدمی آشکار می شود. زیرا کسی که از راه نامشروع مال جمع می کند، در اثر تغذیه حرام، زمینه گمراهی را در فرزندش آماده می کند و خودش هم نمی تواند به راه مستقیم هدایت شود. یکی دیگر از آثار لقمه حرام، بی اعتنائی فرزندان در پذیرش حق و حقیقت است. طبق روایات و احادیث معصومین علیهم السلام وقتی شکم انباشته از مال حرام شد، تاریکی آن همه وجود فرد را فرا می گیرد، چنانچه حتی حاضر است به آبروی خود و خانواده اش چوب حراج بزند، اما ذره ای از خواسته های نفسانی و مادی خود کوتاه نیاید. به طور مثال مادری که خودش محجبه و چادری است می گوید هر کار می کنم دخترم نسبت به پوشش و حجاب بی رغبت است، دختری که به بلوغ رسیده و امر و نهی کردن او برای والدین سخت شده است اما این مادر نمی داند لجاجت و بی رغبتی فرزندش به حجاب و پوشش شاید لقمه حرام باشد که باعث شده در فرزند او بتدریج چنین اثراتی بگذارد. و طبق آیات و روایات اگر بخواهیم فرزندان سالم «متدین» خوش خلق داشته باشیم، ابتدا باید منبع اقتصادی نیازهای زندگی، حلال باشد و از لقمه حرام پرهیز شود تا تعلیم و تربیت اثرگذار باشد.

آثار فردی لقمه حرام:

شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۳، ص ۴۳۱-۴۴۴-جنفی، جواهر الکلام، ج ۲۵، ص ۵۴۵.

. مکارم شیرازی، بررسی طرق فرار از ربا، ص ۵۷.

هوشیار، قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، فصل ۱۱، ارتشاء و ربا و کلاهبرداری: ۹.

اسراء ۶۴- مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ص ۵۴۳.

قال امام صادق (علیه السلام): كَسَبُ الْحَرَامِ يَبِينُ فِي الذَّرِيَّةِ. كَلْبَنِي، فروع الكافی، ج ۱، ص ۳۶۳.

آثار خوردن مال و لقمه حرام (خواه یا ناخواه) در منابع دینی و کلامی بزرگان

۱. کم ارزش شدن نماز: نماز، افضل واجبات، بهترین وسیله تقرب به خدا، معراج مومن، نورمومن، ستون دین، پرچم اسلام، وصیت امیرالمومنین (علیه السلام)، روشنائی چشم پیامبر (صل الله علیه و آل وسلم)، بهترین اعمال در قیامت، آخرین سفارش رسول خدا (صل الله علیه و آل وسلم)، جواز عبور از صراط می باشد که اگر انسان توجه نکند با لقمه ی حرام تمامی این فضایل را از دست می دهد و به جای آن خود را گرفتار آثار شوم و آینده سوز لقمه ی حرام می نماید. رسول خدا (صل الله علیه و آل وسلم) فرمودند: نماز کسی که لقمه اش حرام است تا چهل روز از ارزش چندانی برخوردار نیست، و تا چهل روز دعای او مستجاب نمی گردد و هر مقدار از بدن که پرورش یافته لقمه حرام باشد سزاوار آتش و سوختن است.

۲. بنای عبادت بر روی ماسه های روان: در فرهنگ قرآن کریم کسی^۱ که هم عابد است و هم حرام خوار، عبادتش سودی به حالش نخواهد کرد و بزودی خودش به همراه ساختمان عبادتش به قعر جهنم سقوط خواهند کرد. خداوند متعال می فرماید « مَنْ أَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَأَنْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ »، کسی که بناء امورش را بر لب پرتگاهی سست و فروریختنی بسازد! آن بناء با بناء کننده اش در جهنم سقوط می کند.

۳. ثبت گناه به عوض عبادت: غفلت از طهارت مال و گرفتار شدن به لقمه حرام باعث می شود که کارهای خیر را از ما نپذیرند و حتی به عوض آن ها، گناه در نامه اعمال ما ثبت شود. رسول خدا (صل الله علیه و آل وسلم) فرمودند: کسی که کسبش حرام است خداوند هیچ کارخیری را از او نمی پذیرد، چه آن کار صدقه باشد چه آزاد کردن بنده، حج باشد یا عمره و خداوند متعال به عوض پاداش این کارها گناه برای او ثبت می کند و آنچه پس از مرگش باقی می ماند توشه دوزخ او خواهد بود.

۴. سنگدلی و قساوت قلب: حرام خواری و قساوت قلب ارتباطی تنگاتنگ با هم دارند که اگر کسی حرام بخورد قلبش سخت شده و در برابر حق نرمش نخواهد داشت و این همان سخنی است که امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا به سپاه کوفه فرمودند. آن حضرت وقتی دید که کلام حقش، درد دل سخت تراز سنگ کوفیان اثر نمی کند علت این سخت دلی وعدم کرنش در برابر حق را لقمه های حرامی بر شمرد که شکم های کوفیان از آن پر شده بود « شکم های تان از حرام پر شده و بر قلبهای تان مهر خورده است ».

۵. مشمول لعنت فرشتگان: فرشتگان الهی خورنده مال حرام را لعنت می کنند و از خداوند منان، محروم شدن از حلال های بی شمارش را برای او طلب می نمایند. رسول خدا (صل الله علیه و آل وسلم) فرمودند: هرگاه لقمه ای حرام در شکم بنده ای از بندگان خدا قرار گیرد تمام فرشتگان زمین و آسمان او را لعنت می کنند.

۱. امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، نامه ها، ص ۵۴۷.

مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۶۳۰۱.

۲. ابن فهد حلی، عده الداعی ونجاح الساعی، ص ۱۱۵۳.

۳. توبه، ۶۳۰۹.

۴. ابن بابویه، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۶۳۸۲.

۵. قال امام حسین (علیه السلام): فَقَدْ مُلِئْتُ بُطُونُكُمْ مِنَ الْخَرَامِ وَ طُبِعَ عَلَى قُلُوبِكُمْ. کلینی، اصول الکافی، ج ۲، ص ۴۷۴.

۶. الراوندي، الدعوات، ج ۱، ص ۶۳۵.

۶. محرومیت ازدوستی امام علی (علیه السلام): افرادی که به حرام خواری عادت کرده اند درواقع خودش را از دوستی ائمه اطهار (علیه السلام)، محروم کرده به طوری که امیرالمومنین می فرمودند: «لَيْسَ بَوْلِي لِي مَنْ أَكَلَ مَالَ مُؤْمِنٍ حَرَاماً» کسی که به حرام، مال مومنی را بخورد هرگز دوستدار من نیست.^۶

۷. ورود حرام خوار به بهشت ممنوع: رسول خدا (صل الله علیه وآل وسلم) فرمودند: همانا خداوند ورود بدنی را که از حرام تغذیه کرده به بهشت ممنوع کرده است.^۷

۸. حرام خوار محروم از دیدار کوثر و شفاعت: آلودگی به لقمه حرام انسان را درروز قیامت از مصاحبت پیامبر رحمت (صل الله علیه وآل وسلم) و شفاعت خاندان باکرامتش دور می سازد و درآن لحظات حساسی که جزء کرامت اهل بیت علیهم السلام فریادرسان نخواهد بود، لقمه حرام مارا از این نعمت بی بهره می کند. امیرالمومنین «علیه السلام» دروصیت خود به امام حسن «علیه السلام» فرمودند: به خداسوگند، به خداسوگند، به خداسوگند کسی که ذره ای مال حرام بخورد درقیامت ازرسول خدا (صل الله علیه وآل وسلم) دور می افتد و ازحوض کوثر نمی نوشد و مشمول شفاعت آن حضرت نمی گردد.^۸

آثار اجتماعی مال حرام^۹

بررسی ها نشان می دهد که وقتی فردی از اجتماع، ازگرفتن مال حرام ابایی نداشته باشند و همیشه دراین فکر باشد که چگونه جیب خودرا پر وجیب دیگران را خالی کند، روح برادری ونوع دوستی ازجامعه رخت برمی بندد، و درنتیجه اخلاق اجتماعی جامعه به خطر می افتد، چه اینکه تغییر سرنوشت اجتماع درگرو تغییر اخلاق و رفتار مردم است. بنابراین لقمه های برگرفته ازدرآمدهای حرام بر رفتارواخلاق اجتماعی اثر نامطلوب می گذارد، چراکه درآمدهای حرام درجامعه، منشا ایجادکینه و دشمنی می شود و صلح و صفا را از بین می برد. به تعبیر واضح تر وقتی انسان راه خود را برکسب حرام باز دید و برای لقمه حلال و حرام تفاوتی قائل نشد، حریم های اجتماعی را نیز نادیده خواهد گرفت و دیگر فرقی میان خیانت، دزدی، کلاهبرداری نخواهد گذارد و لذا امنیت جامعه ازبین خواهدرفت، همچنین گسترش لقمه حرام در جامعه موجب از بین رفتن فضائل می گردد و نه تنها فرد را از انسانیت ساقط و نسل انسانی را فاسد می کند، بلکه اجتماع را به مخاطره می اندازد و باعث متلاشی شدن اصول اخلاقی اجتماعی شده و درائر فروپاشی این اصول جامعه دچار هرج و مرج و بی بند و باری می شود. رسول خدا (صل الله علیه وآل وسلم) می فرمایند: «بیشترین چیزی که پس از مرگم، از آن بر امتم بیم دارم، این کسب ها و درآمدهای

حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۶۵۳.

قال رسول الله (صل الله علیه وآل وسلم): ان الله عزوجل حرم الجنة جسداً غذى بحرام. علامه حلی، مجموعه ورام (تنبيه الخواطر) ۶، ص ۶۱.

قاضی نعمان مغربی، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۶۸۵.

در جهت ازبین رفتن امنیت اجتماعی در مقاله ای از نویسنده با عنوان «آماده سازی تربیتی حاکم اسلامی در خدمتگزاری مردم از منظر» حضرت امیر علیه السلام در نهج البلاغه» در فصلنامه مطالعات و تحقیقات در علوم رفتاری، سال سوم، شماره ۸، پاییز ۱۴۰۰ به چاپ رسیده ملاحظه فرمایید.

حرام و شهوت ناپیدا و ربا خواری است». بطور خلاصه حرام خواری موجب سلب امنیت اجتماعی، رکود اقتصادی و رواج بی بند و باری و ازبین رفتن فضائل در جامعه می شود.

عوامل گرایش به کسب و کار حرام

حرص و طمع وعدم قناعت به آنچه که داریم؛ زمینه های روحی و روانی؛ محیط فاسد اقتصادی در جامعه؛ جهل و نادانی، زمینه ساز بسیاری از گناهان است، معرفت نداشتن به خداوند، جهل به آثار حرام خواری و سرانجام آن، ناآگاهی از عقوبت های دنیوی و اخروی ارتزاق حرام، سبب انجام این عمل می شود.

متأسفانه این روزها وسوسه های شیطانی و حرص زیاد باعث گرایش بعضی ها به کسب درآمد حرام می شود. طمع، صفت رذیله ای است که انسان طماع را خوار و از دایره انسانیت و جوانمردی خارج می کند. انسان حریص آن چنان حرص جمع آوری مال و ثروت مشغولش می کند که حلال و حرام و پاک و ناپاک را در هم می آمیزد و روز به روز حساب های بانکی اش را چاق و چله تر می کند، همه را به حساب زرنگی خودش می گذارد. رسول مکرم اسلام (صل الله علیه وسلم) فرمودند: عبادت هفتاد جزء است که بهترین جزء آن طلب روزی حلال است. تاریخ نشان داده که جویندگان مال حلال و گریزان از درآمد حرام، عاقبت به خیر شده اند! و از علل گرایش افراد، زمینه روحی و روانی است. که بعضی ها با تخیلات نادرست گرفتار عقده حقارت می شوند آنها فکر می کنند اگر خانه ای شیک و اتومبیلی مدل بالا داشته باشند در جامعه جایگاه والایی پیدا می کنند و برای رسیدن به آرزوهایشان به هر دری می زنند. تحقیرهای شخصیتی این انسانها سبب می شود حرمت مال حرام برایشان عادی جلوه کند و کسب هر مالی را برخویش حلال بدانند. از علل دیگر گرایش افراد گاهی محیط فاسد اقتصادی که در جامعه زمینه های حرام خواری و کسب مال نامشروع را فراهم می کند، و خداوند در قرآن مجید حرام خواری را از صفات یهود شمرده، و به حرام خواری وعده دوزخ داده و فرموده است: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا» آنان که اموال یتیمان را به ستم می خورند در حقیقت در شکم خود آتش فرو می برند و بزودی در آتش فروزان خواهند افتاد. از نتایج خوردن لقمه حرام ضایع شدن حق خداوند است، چون انسان از اوامر الهی سرپیچی کرده و به حریم محرمات الهی تجاوز نموده است، و برای پاک کردن روح و جسم از تأثیرات ویرانگر لقمه حرام باید در امور چون احیاء حق الله (توبه و استغفار) و اداء حق الناس و انجام مستحبات (سختی دادن به بدن و جسم) جهد و کوشش شود تا راه تکامل روح و نفس هموار شود.

مشاغل مکروه از نظر اسلام

قال رسول الله (صل الله عليه وآل وسلم): إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي هَذِهِ الْمَكَايِبُ الْحَرَامُ، وَ الشَّهْوَةُ الْخَفِيَّةُ، وَ الرِّبَا، كَلْبَنِي، ۷. ۱۴۰۱ ج ۵: ح ۱: ۱۲۴.

. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ص ۴۷۱۲

قال رسول الله (صل الله عليه وآل وسلم): لِعِبَادَةِ سَبْعُونَ جُزْءً أَفْضَلُهَا طَلَبُ الْحَلَالِ. شيخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۸۰. ۱۳۳۰. نساء.

مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۲ - محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۶۸۳، کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۳۴۳.

شارع مقدس از بعضی مشاغل به نوعی تنزیه کرده و به اصطلاح آنها را به عنوان شغل های مکروه معرفی نموده است. مثلاً گفته که فلان شغل، مکروه است. و این نسبت به بعضی از مشاغل و حرف ها ترغیب کرده و گفته که مستحب است هردو مورد اشکال شرعی ندارد ولی یکی مکروه و دیگری مستحب است. بطور کلی نقش تخریبی یک حرفه نسبت به روح انسان دلیل کراهت داشتن آن شغل است. انسان باید مواظب چیزهایی که بر روی روحش و ملکات او تاثیر می گذارد باشند، لذا چون این شغل ها بر روی روح و روان انسان اثر منفی گذاشته و به آدمی ملکه و روشی می دهد که زشت است و به ضرر انسان بوده و مکروه است، و شارع ما را نسبت به آن گونه مشاغل نهی کرده است و طبق احکام دینی بهتر است افراد شغل هایی را انتخاب کنند که دارایی حرام و شبهه ناک یا روابط نامشروع را برای آن ها عادی جلوه ندهد.

مشاغل مکروه

کسب و کار مکروه مانند: صرافی، کفن فروشی، سلاخی (قصابی)، بنده فروشی، خرید و فروش هر نوع خواربار (گندم، جو) چون در معرض احتکار است، زرگری و حجامت با شرط اجرت.

به دلیل اهمیت موضوع علت کراهت بعضی از مشاغل را توضیح داده می شود:

۱. صرافی و هرکاری که ممکن است انسان را به ربا خواری یا سایر اعمال حرام بکشاند.
۲. کفن فروشی: علت کراهت شغل کفن فروشی به اینست که مرگ را برای فروشنده کفن عادی جلوه می دهد. وقتی فرد عادی کفن را بدست می گیرد نا خودآگاه به یاد مرگ و قیامت می افتد. اما کسی که هرروز کفن در دست می گیرد و در مغازه با وسایل خود آن را خرید و فروش می کند آن حالت را از دست می دهد و یا مرگ برای او طبیعی و بلکه بی اهمیت جلوه می کند. بنابراین باید که سعی شود در کنار این مشاغل انس با خداوند متعال برقرار شده و تقویت شود.
۳. معامله با افراد پست و افرادی که اموالشان مشکوک است هرچند ظاهراً اموالشان حلال باشد.
۴. هرگاه کسی اقدام به خرید چیزی کرده و تا معامله او تمام نشده دیگری داخل معامله او می شود.
۵. غسالی: افراد باید شغل هایی را انتخاب کنند که آن ها را دنیازده و قصی القلب و سنگدل نکند و روابط حرام و نامشروع را برای آن ها عادی جلوه ندهد. بهتر است از شغل های مکروه به طور مداوم پرهیز شود. اگر کسی مدت ها به عنوان غسال یا قصاب فعالیت کرد، باید تقوا و انس با پروردگار را باخواندن نماز اول وقت و تلاوت مداوم قرآن تقویت کنند و دچار قساوت قلب نشود.

۶. زرگری: علت کراهت این کسب برای مردان ارتباطات مداوم با نامحرم هست و در اثر استمرار برخورد و گفت و گو با نامحرم برای طلا فروشی عادی می شود. از شغل ها و معاملاتی که به سرعت ربا در آن پیدا می شود ولی اصل شغل حرام نیست چون ممکن است تو را به گناه بیاندازد و گناه هم روح تو را تخریب کرده و استمرار آن روش صحیح تو را تخریب می کند، لذا شغل مکروهی است و از آن نهی شده است.

زمانهایی که کسب و کار در آن مکروه است

در روایات و آیات و فتوای فقها روزی که کسب و کار در آن حرام باشد، نیامده است، اما در برخی از روزها و ساعات کسب و کار مکروه است. مانند:

۱. معامله بین اذان صبح و اول آفتاب .

علامه حلی، تبصره المتعلمین فی احکام الدین، ج ۱، ص ۲۳۶. رساله سیزده مرجع، بنی هاشمی خمینی، ص ۲۲۵، م ۵۶، ۷۳۰.

۲. معامله هنگام نماز: در روایتی در تفسیر آیه «رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ» پاکمردانی که هیچ کسب و تجارت آنان را از یاد خدا و به پا داشتن نماز و دادن زکات غافل نگرداند و از روزی که دل و دیده‌ها در آن روز حیران و مضطرب است ترسان و هراسانند. آنان تجاری هستند که خرید و فروش آنان را از یاد خدا غافل نمی‌کند و هنگامی که وقت نماز فرا می‌رسد ابتدا آن وظیفه را انجام می‌دهند.^۷ طبق این روایت، معامله هنگام نماز ناپسند است. همچنین در قرآن آمده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون برای نماز جمعه ندا در داده شد به سوی ذکر خدا بشتابید و داد و ستد را واگذارید، اگر بدانید این برای شما بهتر است.

۳. پرداختن به کارهای دنیوی در روز عاشورا

نتیجه گیری

در پایان لازم به ذکر است که این نوشتار با هدف ایجاد انگیزه جهت تحقیق کاملتر و بررسی دقیق تر موضوع مد نظر و کاربردی نمودن آن در زندگی فردی و اجتماعی، به رشته تحریر درآمده است با این امید که مورد استفاده قرار گرفته و نقطه آغازینی برای ورود کارشناسانه تر و ظریف تر به بحث و نیل بیشتر به مسائل اخلاقی اسلامی درباب کسب و کار گردد. با توجه به آیات و روایاتی که در زمینه کسب و درآمد است و اموال را مایه قوام شخص و جامعه و زینت و آرامش فرد در زندگی دنیا می‌خواند، می‌توان چنین بیان نمود که در زندگی دنیوی، مال و ثروت نه تنها خوب است، بلکه هر مسلمان آگاه و وظیفه دارد در کسب و تحصیل حلال آن تلاش کند و خود و جامعه‌اش را در رشد اقتصادی حلال و مشروع یاری رساند. هر چند تأمین زندگی، مورد تأکید فراوان است، با این حال نه از هر راهی و با هر درآمدی! با این نگرش پی می‌بریم که اسلام در هر زمینه‌ای از زندگی نسبت به روح و سلامت و کمال آن توجه ویژه‌ای دارد و کسب مال حلال را در ارتقاء روحیه معنوی بسیار مؤثر می‌خواند. چنان که سلامت روح در گرو استفاده صحیح و مطلوب از مال حلال است و بی‌توجهی به این موضوع، عوارض و پیامدهای منفی و مخربی را برای انسان به وجود می‌آورد. گاه دغدغه تأمین رفاه بیشتر، فرد را به فکر عبور از خط قرمزها و کسب درآمد از راه حرام و مکروه می‌اندازد و نتیجه آن، خروج برکت از زندگی و ورود بدبختی به آن است که پیامدهای منفی به بار می‌آورد و گره‌های کور و مشکلات ناشناخته‌ای را به وجود می‌آورد و فشارهای روانی را افزایش می‌دهد و در نتیجه باز نارضایتی را در محیط خانواده به اوج خود می‌رساند.

سوره نور، ۳۳۷.

حر عاملی، وسائل الشیعه، ص ۱۷۸۰.

سوره جمعه، ۷۹.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن فهد حلی، احمد بن فهد، عوالی اللئالی، ج ۱، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۰۷ ق.
- ابن فهد حلی، جمال الدین احمد بن محمد؛ عدة الداعی و نجاح الساعی؛ قم: دار الکتاب العربی، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر، ۱۴۱۴ ق
- برازش، علی رضا و همکاران، تفسیر اهل بیت، تهران، امیر کبیر، ۱۳۹۶.
- حرّعاملی، شیخ محمد بن حسن، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۳۶۷ ش، ج ۳.
- خمینی، سید روح الله، مناسک حج (محشی)، مشعر، ۱۴۲۹ ه ق.
- خمینی، سید روح الله، استفتائات، انتشارات اسلامی، قم چاپ ۱۴۲۲، ۵ ق.
- خمینی، سید روح الله، توضیح المسائل، محشی، محقق و مصحح، قلی پور، مسلم، ۱۹۴۶ م، چاپ اول، ۱۴۲۶ ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن - تهران، چاپ: دوم، ۱۳۷۴ ش.
- راوندی قطب الدین، سعید بن هبة الله، الدعوات (لراوندی) / سلوة الحزین - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۷ ق.
- زحیلی، وهبه، اصول فقه الاسلامی، چاپ اول، دارالفکر، ۱۴۰۶ ق.
- سبحانی، حسن، بررسی عناصری از مناهی اقتصادی در احکام اسلامی، مجله تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران شماره ۵۸، ش ۱۳۸۰.
- سیاح، احمد، لغت نامه فرهنگ سیاح، تهران، اسلام، ۱۳۶۵.
- شهید ثانی، زین العابدین، مسالک الافهام، قم، موسسه الاسلامیه، ۱۴۱۳ ق
- صاحب بن عباد، إسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة - بیروت، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق.
- صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال - قم، چاپ: اول، ۱۳۶۲ ش.
- صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال - قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۶ ق.
- صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی، خصال، چاپ علی اکبر غفاری، قم ۱۳۶۲ ش.
- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، ۱۳۹۰ ق
- علامه حلی، حسن بن یوسف، تبصره المتعلمین فی احکام الدین، محقق و مصحح یوسفی غروی، محمد هادی، موسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
- فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
- قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه ۱۳۸۶
- کلینی، محمد بن یعقوب، فروع الکافی، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث، قم، ج ۱، ص ۳۶۳، ۱۴۰۷ ق.
- مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، دارالحديث، ۱۳۹۳.
- مشکینی، علی، اصطلاحات اصول، نشر الهادی، قم، ۱۳۷۱ ش.
- معین، محمد، فرهنگ معین، امیر کبیر، ۱۳۵۰.
- مغربی قاضی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، قم، موسسه آل البيت، ۱۳۸۵ ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵.
- مکارم شیرازی، ناصر، بررسی طرق فرار از ربا، قم، مدرسه امام علی ع، ۱۳۸۰.
- مکارم شیرازی، ناصر، مناسک حج، قم، مدرسه امام علی ع، ۱۴۲۶.
- مکارم شیرازی، ناصر، رساله توضیح المسائل، ۱۷۴۸ م، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب ع قم، چاپ ۱۴۲۹، ۵۲ ق.

نراقی، احمد ، معراج السعاده، تهران، نشر جمال، ۱۳۸۸.
نوری، حسین بن محمد، مستدرک الوسائل، قم، انتشارات موسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق
ورام، مسعود بن عیسی، تنبیه الخواطر و نزهه النواظر، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۸.
هاشمی رفسنجانی، اکبر و محققان، فرهنگ و معارف قران،